

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۱۳ جون ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۱۱

ترجمه و تفسیر سوره الغاشیة- ۲

آیا زبان مروج در جنت زبان عربی است؟

ما فوقاً در مورد نعمت ها و غذا ها و چگونگی زندگی، اهل جنت و غذا های اهل جهنم معلوماتی مختصری ارائه داشتیم، اینک در مورد زبان مروج اهل جنت نیز مختصراً می نویسیم:

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمة الله در مجموع فتاوی جلد چهارم بخش (العقیده) خویش می نویسد: معلوم نیست که مردم در روز قیامت به کدام زبانی صحبت می کنند و با چه زبانی خطاب الله تعالی رامی شنوند، برای این که الله تعالی و رسولش صلی الله علیه وسلم در این باره به ما خبری نداده اند... و به صحت نرسیده که زبان مردم در آن عربی باشد و در این مسأله نمی دانم که بین صحابه نزاعی باشد بلکه آنها به این مسأله نپرداخته اند زیرا سخن در این باره جزو فضولی است ولی بین متأخرین قیل و قالهائی شده:

برخی از مردم می گویند: جنتیان با زبان عربی صحبت می کنند .

برخی دیگر می گویند: جنتیان با زبان سریانی صحبت می کنند ، زیرا زبان آدم علیه السلام سریانی بوده.

ولی برخی دیگری را عقیده بر این است که: فقط اهل جنت با زبان عربی صحبت می کنند .

البته تمامی این اقوال دارای حجت نیستند یعنی نه از طریق عقل و نه از طریق نصوص حجت نیستند بلکه همگی ادعاهائی هستند که خالی از دلیل درستی هستند و خداوند سبحان بدان آگاهتر است. (مجموع فتاوی شیخ الإسلام أحمد بن تیمیة – جلد چهارم بخش (العقیده)

ولی حکم نهائی در این بابت طبق شریعت اسلام همین است که هرکس در سرای قیامت با زبان مادری خود سخن می گوید و این که تعدادی استدلال می نمایند که زبان اهل جنت عربی و اهل دوزخ به زبان عجمی یعنی غیر عربی صحبت می کنند ، ادعای بدون دلیل و غیر معقول از جانب اهل بدعت و برخی از مذاهب منحرفه در بین مسلمانان بخش و تبلیغ گردیده است .

هكذا این ادعا ناشی از حدیث دروغ و ساختگی است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت داده شده که می گوید:

«أحبوا العرب لثلاث: لأنى عربى، والقرآن عربى، ولسان أهل الجنة عربى» یعنی: عرب را دوست بدارید به سه دلیل:

برای آن که من عرب هستم، و قرآن عربی است و زبان اهل بهشت عربی است. عقیلی در «الضعفاء» (۳/۳۴۸) می گوید: حدیث منکر است و هیچ اصلی ندارد.

آیا بی برکتی روز از علایم قیامت است؟

بسیاری از انسانها بی برکتی روز و شب را از جمله علایم نزدیکی قیامت می دانند و زیادتر وقت به احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم از جمله به حدیث شماره ۱۰۳۶ امام بخاری به روایت حضرت ابوهریره (رض) استدلال می نمایند:

طوری که پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: « لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَبْيَضَ الْعِلْمُ ، وَتَكْثُرَ الزَّلَازِلُ ، وَيَتَقَارَبَ الزَّمَانُ ، وَتَظْهَرَ الْفِتْنُ ، وَيَكْثُرَ الْهَرَجُ وَهُوَ الْقَتْلُ الْقَتْلُ ، وَحَتَّى يَكْثُرَ فِيكُمْ الْمَالُ فَيَفِيضَ » (قیامت برپا نمی شود تا این که این علامات پدیدار گردند: از بین رفتن علم، زیاد شدن زلزله، نزدیک شدن زمان، ظاهر شدن فتنه، زیاد شدن آشوب و فتنه که همان قتل می باشد و زیاد شدن بیش از اندازه مالهایتان.)

و امام احمد در حدیث شماره ۱۰۲۶۰ از ابوهریره روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: « لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ ، فَتَكُونَ السَّنَةَ كَالشَّهْرِ ، وَيَكُونُ الشَّهْرُ كَالْجُمُعَةِ ، وَتَكُونُ الْجُمُعَةُ كَالْيَوْمِ ، وَيَكُونُ الْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ ، وَتَكُونُ السَّاعَةُ كَاخْتِرَاقِ السَّعْفَةِ » (تا زمان نزدیک نگردد و سال مانند ماه، ماه مانند هفته، هفته مانند روز، روز مانند ساعت و ساعت مانند آتش گرفتن شاخه های درخت خرما نگردد، قیامت برپا نمی شود.) ابن کثیر- رحمة الله می فرماید: اسناد آن به شرط مسلم صحیح است. البانی در صحیح الجامع شماره ۷۴۳۲ آن را صحیح دانسته است.

این دو حدیث دلالت می کنند بر این که از نشانه های قیامت نزدیک شدن زمان است. علماء در معنی نزدیکی زمان اختلاف دارند و در این مورد سخن بسیار است. از بهترین این سخنان این سخن است که: نزدیک شدن زمان را بر نزدیکی حسی و نزدیکی معنوی حمل می کنند.

نزدیکی معنوی:

منظور از نزدیکی معنوی این است که برکت زمان از بین می رود و این در دورانهای آینده واقع می شود. این قول را قاضی عیاض، نووی و حافظ ابن حجر (رحمهم الله) اختیار کرده اند.

نووی می گوید: مراد از کوتاه شدن روز، عدم برکت در آن است. مثلاً روز می گذرد در حالی که از آن به اندازه يك ساعت فایده می برند.

حافظ می گوید و حق این است که مراد از بین رفتن برکت از تمام چیزها و حتی زمان است که از نشانه های نزدیک شدن قیامت می باشد.

از نزدیکی معنوی همچنین می توان به آسانی ارتباط بین مکانهای دور و سرعت رفت و آمد بین این مسافتها که از آن به نزدیکی زمان تفسیر می شود، اشاره کرد. فاصله هائی که در گذشته در چندین ماه طی می شدند اغراق نیست اگر بگوئیم حالا در بیشتر از چند ساعت طول نمی کشد.

شیخ بن باز در تعلیق فتح الباری (۲/۵۲۲) می گوید: نزدیکی که در حدیث ذکر شده به نزدیکی بین شهرها و قاره ها و کمی مسافت به آنها به سبب اختراع طیارات وسایل ترانسپورتی و تمام چیزهائی که مانند آن هستند، تفسیر می شود.

نزدیکی حسی:

منظور از نزدیکی حسی این است که زمان به صورت محسوس کوتاه می شود. ساعات شب و روز به سرعت می گذرند و بین گذشت این ساعت ها فاصله پیدا نمی شود و واقع شدن آن امری غیر ممکن نیست. برای تأیید آن به زمان دجال می توان اشاره کرد که در آن روز به اندازه سال، ماه و هفته طول می کشد. در نتیجه همانگونه که ایام طولانی می گردند، کوتاه نیز می شوند که آن به خاطر اختلال در نظام عالم و نزدیک شدن پایان دنیا است. حافظ در الفتح از ابن ابی جمره نقل می کند که گفت: «مراد از نزدیک شدن زمان در حدیث «لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ»، به کوتاه شدن آن اشاره دارد. با این حساب پس کوتاه شدن باید حسی باشد و بر معنای معنوی نیز حمل می گردد. اما در حسی فاصله منظور نمی باشد و شاید آن از اموری باشد که باعث نزدیک شدن قیامت می گردد. اما از نظر معنوی پس برای آن مدت و فاصله منظور می باشد که علماء دینی آن را می دانند. و اهل دنیوی نیز اگر زیرک و عاقل باشند آن را خواهند دانست که ایشان نمی توانند مانند گذشته کارهای بزرگی را که انجام می دادند، انجام دهند. به خاطر آن دچار شك و تردید می شوند ولی علت آن را نمی توانند درک کنند. شاید علت آن به سبب ضعف ایمان باشد که به آشکار نمودن بیش از حد کارهای خلاف شرع می پردازند و شدیدتر از آن خوراکیهائی است که در آن شکی و شبهه ای وجود ندارد که حرام می باشند و بسیاری از مردم کاری به حلال و حرم آن ندارند و در به دست آوردن آن تمام تلاش خود را به کار می گیرند و عقل خویش را به کار نمی گیرند. نتیجه و ماحصل بحث این می شود که برکت در زمان، روزی و در گیاهان به خاطر ایمان قوی و تبعیت از اوامر خداوند و دوری از نواهی او می باشد و دلیل بر این مدعا قول الله تعالی می باشد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» «اگر اهل قریه ای ایمان بیاورند و تقوای خدا داشته باشند برکات آسمان و زمین را بر ایشان می گشائیم».

و سیوطی در الحاوی للفتاوی (۴/۱) در باره معنی این حدیث که ذکر شد این طور گفته است: «گفته شده منظور از آن کوتاه شدن به صورت حسی می باشد. ساعات شب و روز نزدیک برپا شدن قیامت کوتاه می شوند و گفته شده به صورت معنوی می باشد که مراد از آن به سرعت گذر کردن زمان و از بین رفتن برکت از تمام چیزها حتی زمان است... و قولهای دیگری نیز در این باره وجود دارد. و الله اعلم.»

این سه قول از بین رفتن برکت، سهولت ارتباط و نزدیک شدن به صورت حسی، بینشان تعارضی نیست و مانعی بر این که حدیث بر همه آنها دلالت کند، وجود ندارد. سخنان دیگری نیز در باره زمان گفته اند که درجه قوت آنها به مانند آنچه ذکر شد، نیست.

از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

خطابی گفته که منظور از آن لذت بردن از زندگی است. حافظ از زبان او نقل می کند که می گوید: می خواهد آن را زمان خروج مهدی- الله اعلم- که راستی در زمین پدیدار می شود، عدل پیروز می گردد و مردم از زندگی لذت می برند و مدت آن کوتاه می باشد، پدید آورد و ایام خوش مردم در زمان کوتاهی سپری می شود که اگر مدت آن به درازا کشد و طولانی شود، مکروه و ناپسند می گردد در نتیجه مدت آن کوتاه می باشد. سپس حافظ می گوید: می گویم که خطابی در آنچه ذکر کرده به سوی تأویل رفته است. زیرا در زمان نقصان پدید نمی آید و گر نه کسی که حدیث را ضمانت کرده آن را در زمان ما به وجود می آورد. در نتیجه ما از این حدیث به جای نقصان در زمان، زودگذری ایام را درک می کنیم. زیرا که زمان ما با زمان قبل از ما هیچ فرقی ندارد و منظور از این حدیث لذت بخش بودن زندگی نیست و حق آن است که مراد از آن از بین رفتن برکت می باشد.

ابن بطال می گوید: مراد نزدیک شدن عمر انسانها به خاطر کمی عبادت می باشد تا این که به خاطر غالب بودن فسق و گناه و ظاهر شدن انسان های فاسد، کسی نیست که امر به معروف و یا نهی از منکر کند .
و این تأویل خلاف ظاهر حدیث است و این جمله به وسیله حدیث دیگری از رسول الله صلی الله علیه و سلم رد می شود که فرمودند: «السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، فَتَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ... الح» از ظاهر آن فهمیده می شود که مراد نزدیک شدن خود زمان است نه نزدیک شدن مدت عمر انسانها و الله اعلم . (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به : فتح الباری (۲۱/۱۳) شرح حدیث رقم (۷۰۶۱) ، (إتحاف الجماعة للتوحيدي (۴۹۷/۱) ، "السنن الواردة في الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها" لأبي عمرو عثمان الداني، تحقيق د/رضاء الله المباركفوري . «أشراط الساعة» للوايل (صفحة ۱۲۰)

موجودیت پرندگان درجنت:

مطابق روایات اسلامی در جنت هم پرندگان و هم جانورانی وجود دارد که غیر از خداوند متعال کسی آنها را نمی داند. الله بزرگوار درباره نعمتهائی که اهل جنت از آن تغذیه می شوند می فرماید : « وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ » (سوره الواقعة: آیت ۲۱) (و گوشت پرندهای که بخواهند و آرزو کنند).
در حدیثی که در سنن ترمذی از حضرت انس روایت گردیده است آمده که درباره کوثر از رسول الله صلی الله علیه و سلم سوال شد: کوثر چیست؟

فرمود: «ذاک نهر اعطانیه الله، اشد بیاضاً من اللبن و احلی من العسل فيه طير اعناقها كاعناق الجزر، قال عمر: ان هذه لناعمة، قال رسول الله صلی الله علیه و سلم اكلتها انعم منها» (آن نهری است در جنت که خداوند به من اعطاء نموده است. از شیر سفیدتر است و از عسل شیرین تر است. در آن پرندگانی وجود دارد که گردن های آن، مانند گردن های شترها (دراز) اند.

عمر گفت: پس این باید شتر مرغ باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: خوردن آن از شتر مرغ بهتر است. (مشكاة المصابيح (۹۱/۲).

ابو نعیم در حلیه و حاکم در مستدرک از ابن مسعود نقل کرده است: « جاء رجل بناقة مخطومة، فقال: يا رسول الله، هذه الناقة في سبيل الله، فقال: لك بها سبعماتة ناقة مخطومة من الجنة».

(مردی شتری مهار شده را نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آورد و گفت: این شتر را در راه خدا صدقه می کنم، پیامبر در جواب فرمودند: خداوند در عوض آن هفتصد شتر مهار شده را به شما خواهد داد). حاکم راجع به این روایت گفته: این روایت بنا به شرائط شیخین صحیح می باشد، ذهبی و شیخ ناصر الدین البانی نیز با او موافقت نموده اند. در صحیح مسلم از ابو مسعود انصاری اینگونه وارد شده است: « لك بها يوم القيامة سبعماتة ناقة كلها مخطومة» . (روز قیامت در برابر این شتر هفتصد شتر مهار شده به تو داده می شود).

خمر یا شرابی جنتی :

از جمله شرابی که خداوند از روی فضل خود بر اهل جنت ارزانی می دارد، خمر است و خمر جنت خالی از عیب و نقص هائی است که مشروبات دنیا دارند. شراب دنیا عقل را از بین می برد سر و شکم را به درد می آورد و موجب امراض متعددی می شود. اما خمر و شراب جنت از همه این عیوب و نقصها خالی هستند، شراب جنت: براق، گوارا و زیبا می باشد: «يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ * بِيَضَاءٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ * لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ» (الصافات: ۴۵ - ۴۷) «قدحهای می برگرفته از رودبار جاری شراب، گرداگرد آنان در گردش است. می سفیدرنگ و خوشگواری

برای نوشندگان. نه در آن تباهی ها و گرفتاری هائی (همچون بیهوشی و سردرد و سایر مضرات و مفاسد) است، و نه میخواران از آن به حالت تهوع (و استفراغ و عرق و کثرت بول) در می آیند». خداوند زیبایی شراب جنت را بیان نموده و سپس بیان می‌دارد که نوشنده بدون این که عقلش دچار خلل گردد از آن لذت می‌برد: «وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» (محمد: ۱۵) «و رودبار هائی از شرابی است که سراپا لذت برای نوشندگان است».

و در وصف شراب های جنت می‌فرماید که نوشنده از نوشیدن آن ملول نمی‌شود: «لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ» (سوره الصافات: ۴۷) «و نه میخواران از آن به حالت تهوع (و استفراغ و عرق و کثرت بول) در می آیند». «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَاْدَانٌ مَخْلُودُونَ * بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ» (سوره الواقعة: ۱۷ - ۱۸) «نوجوانانی، همیشه نوجوان (برای خدمت بدیشان، پیرامونشان در آمد و رفت هستند و باده را) برای آنان می‌گردانند. (برای آنان به گردش در می‌آورند) قدحها و کوزه‌ها و جامهائی از رودبار روان شراب را».

این کثیر در تفسیر آیت‌های فوق می‌فرماید: دچار سر درد نمی‌شوند و عقلایشان دچار اختلال نمی‌گردد. ضحاک از ابن عباس نقل می‌کند که گفته: «فی الخمر اربع خصال: السكر، الصداع، القىء و البول، فذكر الله خمر الجنة، و نزهها عن هذه الخصال». «مستی، سر درد، استفراغ و ادرار از جمله ویژگیهای مشروبات دنیائی هستند و خداوند شراب جنت را از این چهار خصلت پاک و منزه نموده است». تفسیر ابن کثیر: (۵۱۴/۶).

خداوند در آیت دیگری در وصف شراب جنت می‌فرماید: «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (المطففين: ۲۵ - ۲۶) «به آنان از شراب زلال و خالصی داده می‌شود که دست نخورده و سر بسته است. مهر و دربند آن از مشک است (و با دست زدن بدان، بوی عطر مشک در فضاء پراکنده می‌شود). مسابقه‌دهندگان باید برای به دست آوردن این (چنین شراب و سایر نعمتهای دیگر جنت) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند».

خداوند برای این شراب دو وصف را ذکر کرده است: اول این که مختوم است، یعنی سر به مهر است و دوم این که آنهائی که آن را می‌نوشند در پایان نوشیدن آن بوی مشک را احساس می‌کنند.

شهوت و جماع در جنت:

قابل تذکر است که در روایات اسلامی آمده است که در جنت هر لذتی برای انسانها وجود دارد، از جمله خوردن و نوشیدن و شهوت و لذت جنسی، بنابراین در جنت شهوت و جماع وجود دارد.

مهم نیست که دیگران چه می‌گویند، آنها که با وحی در ارتباط نبودند؟! مهم اینست که خداوند متعال از طریق وحی به پیامبرش صلی الله علیه وسلم خبر داده که در جنت جماع و لذت شهوانی وجود دارد و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز آن را برای امتش بیان کرده چنان که فرمودند: «إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يُعْطَى قُوَّةَ مِائَةِ رَجُلٍ فِي الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالشَّهْوَةِ وَالْجَمَاعِ . فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْيَهُودِ : فَإِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ تَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ ؟! قَالَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : حَاجَةٌ أَحَدِهِمْ عَرَقٌ يَبْيِضُ مِنْ جِلْدِهِ فَإِذَا بَطْنُهُ قَدْ ضَمَرَ » رواه أحمد برقم ۱۸۵۰۹ ، والدارمی برقم ۲۷۰۴ .

یعنی: همانا به مردی از اهل جنت قوت و نیروی یکصد مرد (این دنیا) برای خوردن و نوشیدن و شهوت و جماع داده می‌شود، مردی یهودی گفت: آنکسی که می‌خورد و می‌نوشد نیاز به قضای حاجت دارد؟! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «قضای حاجت آنها به صورت ترشحات خوشبویی خواهد بود که همچون مشک از پوستشان خارج شده و شکم را سبک می‌گرداند».

پس تا زمانی که فرمایش رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود شهوت و جماع را در جنت تصدیق می کند، سخن بدون دلیل دیگران ارزشی ندارد و ما از پیامبر خود پیروی می کنیم و سخنانش را تصدیق می کنیم.

در ضمن در خود آیات قرآن به وجود حورالعین اشاره شده و بیان داشته که آنها زوج مردان جنتی خواهند بود: «كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (دخان ۵۴). یعنی: «آری! چنین است و آنها را با حوریان درشت چشم، همسر می گردانیم» یعنی: ایشان را با همدم ساختن زنان حور عین که آنها را برایشان حلال گردانیده ایم، مورد اکرام قرار می دهیم، به طوری که هر یک از آنان هر تعداد از حور عین که بخواهد، برایش آماده است.

و تعبیر «زَوَّجْنَاهُمْ = همسر می گردانیم» دلیلی بر جماع جنتیان با حور عین است.

اما بعضی از اهل علم گفته اند که در جنت فرزندی بر اثر جماع متولد نمی شود، چنان که امام بخاری رحمه الله می گوید: «وَقَدْ رُوِيَ عَنْ أَبِي زَرِينٍ الْعُقَيْلِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَا يَكُونُ لَهُمْ فِيهَا وُلْدٌ». یعنی: از ابی زرین عقیلی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: «همانا برای اهل جنت زاد و ولد نیست». این حدیث مورد اشاره بخاری در مسند امام احمد (۱۵۷۷۳) آمده است.

آیا زنان هم دارای حور جنتی اند؟

کلمه حور از «سفیدی» گرفته شده به معنای «زنان سفید»، و «عین» یعنی «چشم گشاده»، و این اصطلاح فقط برای زنان به کار گرفته می شود، و از آنجائی که در دنیا مردان به خواستگاری زنان می روند مردان طالب هستند و زنان مطلوب، لذا خداوند حوران جنتی را در قرآن ذکر کرده تا تشویق شوند، ولی از آنجائی که مسأله جنس چیزی است که نفوس بشر (چه زن و چه مرد) به آن میل پیدا می کند، بنابراین اگر زنی وارد جنت شود که در دنیا ازدواج نکرده باشد و یا شوهرش دوزخی شده باشد، مردانی که در دنیا زن نداشته و یا زنانشان دوزخی بوده می توانند با هم ازدواج کنند.

و ناگفته نماند که در جنت دیگر ممنوعیتی وجود ندارد و هر آنچه نفس اشتها کند آن را می یابد چه برای زنان و چه مردان، و همانطور که در احادیث ذکر شده در جنت چیزهائی وجود دارد که نه کسی آن را دیده و نه شنیده و نه در قلب کسی خطور کرده است، و وظیفه یک بنده آن است که سعی کند خودش را با اعمال صالح به آنجا برساند، و سپس چیزهائی را ملاحظه خواهد کرد که به ذهن بشر نمی رسیده است.

- در حدیثی از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، وَأَقْرَبُوا إِنْ شِئْتُمْ: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره السجده: ۱۷) (متفق علیه)» خداوند (در حدیث قدسی) فرمود: من برای بندگان نیکوکار خویش چیزی را مهیا نمودم که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در دل کسی خطور نموده است و اگر می خواهید بخوانید. (هیچ کس نمی داند که چه نعمت های بی نهایت که سبب روشنی چشم است برای شان ذخیره گردیده است). (سوره سجده: ۱۷)»

و خداوند متعال در قرآن عظیم الشان می فرماید: «وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ» (سوره فصلت/ ۳۱) «و برای شما است در آنجا آنچه که نفسهایتان میل کند و برای شماست آنجا آنچه درخواست کنید» و می فرماید: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهُي الْأَنْفُسُ وَتَلذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سوره زخرف / ۷۱) (و می باشد در جنت آنچه که نفس میل کند و چشم ها از دیدنش لذت گیرد و شما در آن جاویدان هستید)

غلمان جنتی:

آنچه که در جنت با عنوان «پسران زیبارو» برای اهل جنت وعده داده شده اند به معنای این نیست که اهل جنت می توانند با آنها عمل لواط انجام دهند زیرا جنت از خبائث به دور است و این عمل زشت در جنت وجود ندارد! خداوند تبارک و تعالی در سوره طور در مورد اهل جنت می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ * وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ * يَنْتَازِعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ * وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ» (سوره طور ۲۱-۲۴) یعنی: (کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در جنت) به آنان ملحق می‌کنیم و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است و همواره از انواع میوه‌ها و گوشتها (از هر نوع که بخواهند) در اختیارشان می‌گذاریم! آنها در جنت جامه‌های پر از شراب طهور را که نه بیهوده‌گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می‌گیرند! و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می‌کنند که همچون مرواریدهای درون صدفند!) در قرآن این نوجوانان به نام غلمان نام برده شده اند ولی باید دانست که وظیفه این نوجوانان جز خدمت به اهل جنت چیز دیگری نیست. یعنی: این بدین معنی است که نوجوانان خوبروی همراه با جام میوه و غذا و دیگر نعمت‌ها برگرداگرد جنتیان می‌گردند، به خدمت سرگرم‌اند و رفت‌وآمد می‌کنند و آن نوجوانان؛ در زیبایی، خرمی، رخسندگی و صفای خود؛ به سان «مرواریدی اند که نهفته است» یعنی: در پرده صدف پنهان و در داخل صدف مصون است و هیچ دستی به آن نرسیده است؛ سپید و چشم‌ریا و خرم. در حدیث شریف به روایت قتاده آمده است: «از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیدند: یا رسول الله! خدمتکار (جنت خود) مانند مروارید است پس چگونه است کسی که آن خدمتکار به وی خدمت می‌کند؟ فرمودند: سوگند به ذاتی که جانم در اختیار اوست، فضل و برتری در میان آنان، همانند فضیلت ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است.» (انوار القرآن)

بنابراین وجود نوجوانانی زیباروی در جنت دلیل بر استمتاع جنسی اهل جنت از آنان نیست!! و جز لواط‌بازان زمانه کسی نمی تواند برای انجام عمل قبیح و ضد فطری خود توجیه بیاورد.

ثانیاً وجود آن نوجوانان ربطی به احکام شرعی دنیوی ندارد تا کسی بخواهد با استناد بدانها عمل زشت همجنس بازی را توجیه نماید.

تبدیلی زنان دنیوی به حوریان جنتی:

زنها بعد از مرگ که داخل جنت می شوند به حور تبدیل نمی شود، بلکه حوریان جنتی با زنان دنیائی متفاوت هستند؛ چنان که قرآن کریم در مورد حوریان جنتی می فرماید: «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (سوره رحمن ۵۶) یعنی: در آن باغهای جنتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند؛ و هیچ انس و جن پیش از اینها با آنان تماس نگرفته است.

این معنی دیدگاه کسانی را نفی می‌کند که می‌گویند: حوران همان همسران دنیوی هستند که خداوند متعال آنها را بعد از پیری و کهولت بار دیگران جوان می‌آفریند. آری می‌پذیریم که خداوند متعال زنها مؤمنه را در سن جوانی وارد جنت می‌کند. اما آنها غیر از حورانی هستند که خداوند آنها را می‌آفریند.

قرآن عظیم الشأن درباره حسن و جمال حوریان جنتی می‌فرماید: «وَحُورٌ عِينٌ * كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (سوره الواقعة: ۲۲ - ۲۳) یعنی: و همسرانی از حور العین دارند، همچون مروارید در صدف پنهان.

منظور از مکنون: پنهان و محفوظ است. یعنی نور خورشید، رنگ‌های آنها را تغییر نداده است. در جایی دیگر خداوند حوران جنتی را به یاقوت و مرجان تشبیه کرده است.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «...وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ يُرَى مَخُ سَاقِيَهُمَا مِنْ وَرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْحُسْنِ...». بخاری. فتح الباری: (۳۱۸/۶)، مسلم و ترمذی نیز آن را روایت کرده‌اند. یعنی: «... برای هر کدام از مردان اهل جنت دو همسر (حور) هست که در اثر زیبایی و لطافت بدن، مغز استخوان پاهایشان از بیرون دیده می‌شود...». ولی زیبایی زنانی که وارد جنت می‌شوند بسیار بیشتر از حور خواهد شد، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا، يَأْتُونَهَا كُلُّ جُمُعَةٍ، فَتَهُبُّ رِيحُ الشَّمَالِ فَتَحْتُو فِي وَجُوهِهِمْ وَثِيَابِهِمْ، فَيَرَدُّونَ حُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَرْجِعُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ وَقَدِ ارْتَدَّوْا حُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَقُولُ لَهُمْ أَهْلُهُمْ: وَاللَّهِ لَقَدْ ارْتَدَّتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَقُولُونَ: وَأَنْتُمْ، وَاللَّهِ لَقَدْ ارْتَدَّتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا». مسلم (۲۸۳۳).

یعنی: «در جنت اجتماعی است که جنتیان هر بار پس از مدت زمانی به اندازه یک هفته (دنیا) به آنجا می‌روند؛ پس از آن نسیم صبا شروع به وزیدن می‌کند و بر صورت‌ها و لباس‌هایشان می‌وزد؛ از این رو در حالی نزد همسرانشان باز می‌گردند که بر جمال و زیبایی شان افزوده شده است. لذا همسرانشان به آنان می‌گویند: به خدا سوگند! که پیش از رفتن از نزد ما بر جمال و زیبایی شما افزوده شده است؛ مردان جنتی نیز می‌گویند: به خدا سوگند که جمال و زیبایی شما نیز افزایش یافته است».

و وضعیت زنان در جنت؛ همراه با شوهر دنیائی خود خواهند بود، چنان‌که می‌فرماید: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ» (سوره زخرف ۷۰) یعنی: شما و همسرانتان به جنت درآئید، در آنجا شادمان و شادکام و مکرم و محترم خواهید بود.

و اگر شوهرشان جهنمی باشد، در آنصورت به ازدواج یک مرد جنتی در خواهند آمد، همچنین اگر زنی قبل از این که در دنیا ازدواج کند، فوت نماید او در جنت با مردی که در دنیا ازدواج نکرده مرده است، ازدواج می‌کند. برای توضیح بیشتر این موضوع باید گفت: موقعیت یک زن در دنیا خارج از حالات زیر نیست:

۱- قبل از ازدواج (به صورت عازب) می‌میرد، که در اینصورت خداوند همسری از دنیا را برایش تعیین می‌کند، همسری که مورد پسند آن زن باشد، زیرا یکی از نعمتهای جنتی همانا نزدیکی زن و شوهر می‌باشد و این نعمت منحصر به یکی غیر از دیگری نیست.

۲- بعد از طلاق و قبل از ازدواج با همسر دیگر می‌میرد، که در اینصورت نیز حکمش مانند حکم بالا است، یعنی خداوند همسری را از دنیا برایش تعیین می‌کند همسری که مورد پسند آن زن باشد.

۳- زن شوهر دارد، ولی شوهرش دوزخی می‌شود و با او به جنت نمی‌رود، در اینصورت مردانی که در دنیا زن نداشته‌اند و یا زن داشته‌اند ولی دوزخی شده‌اند، به ازدواج این زنان در می‌آیند.

۴- بعد از ازدواج می‌میرد، که در اینصورت شوهرش در جنت همان شوهر دنیایش می‌باشد.

۵- شوهرش می‌میرد، و او تالاب مرگ بی شوهر می‌ماند، که در اینصورت شوهرش در جنت همان شوهر دنیایش می‌باشد.

- شوهرش می‌میرد و یک مرد دیگر با او ازدواج می‌کند، که در اینصورت اگر در دنیا به مرور زمان با چند شوهر دیگر یکی پس از دیگری ازدواج کرده باشد، در اینصورت شوهرش در جنت آخرین شوهرش در دنیا می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «المرأة لأخر أزواجها» (صحیح - سلسله احادیث صحیحة البانی) و حدیثی این یمان به زنش گفت: «اگر می‌خواهی من شوهرت در جنت باشم، پس بعد از مرگ من با هیچ کس ازدواج نکن، زیرا

یک زن در جنت نصیب آخرین شوهرش در دنیا می باشد هر چند شوهران زیادی یکی پس از دیگری داشته باشد، و برای همین خداوند ازدواج با زنان پیامبر پس از مرگ او را حرام فرمود زیرا همه آنها در جنت زنان پیامبر خواهند بود» این بود موقعیتهای یک زن در دنیا، و مقابل هر یک از این حالات در جنت، پس هیچ کس در جنت بی همسر نمی ماند.

حجاب حوریان در جنت:

اول باید دانست که ما انسانها از بسیاری از امورات غیبی خبر نداریم، زیرا خداوند آن اخبار را به پیامبرش فرموده است و آنچه که بر ما واجب است؛ این است که ما باید به آنها ایمان داشته باشیم و از کنجاوی بیش از حد خودداری کنیم.

چنانچه گفته آمدیم نوعیت، کیفیت و وصف بخشی از امور در آن عالم با امکانات وسیع و غیر نهانی الله تعالی به نحوی خواهد بود و است که ما تصور دقیق از آن را فعلاً نداشته و بسیاری مفاهیم و اهداف به شکل دیگر بهتر و خوبتر تأمین شود و یا به بخشی از مفاهیم و جوانب اصلاً در آن وقت تعمق ضرورت نیفتد و یا به شکل و تصور فعلی ما وجود نداشته باشند. با آن بخش از قضایا را با در نظر داشت بخشی از نصوص و روایات شرعی در این مبحث باشما شریک ساختیم.

دوم: در جنت نظر سوء وجود ندارد و کسانی که در آن قرار می گیرند دارای قلبی مریض نیستند که مردانی به دنبال زنانی در جنت بگردند بلکه جنت سرای کرامت است و در آن شر و بدی وجود ندارد و شهوت حرامی وجود ندارد. نکته بعدی این که، حوریان جنتی که برای شخصی در نظر گرفته می شوند، با هیچ مرد دیگری رابطه نداشته و هیچ کس به غیر از آن مرد از او استفاده نمی کند.

شیخ عبد الرحمان بن ناصر بن عبدالله آل سعدی ناصری در تفسیر آیت ۴۸ صافات می نویسد: « وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ » و اهل جنت در کنار خود حوره‌های زیبایی دارند که بی عیب و نقص هستند و چشمانی درشت و خمارآلود دارند، « قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ » یعنی این که آنها (حوریان) فقط به شوهرانشان نگاه می کنند و به دیگران نگاه نمی کنند، چون پاکدامن هستند و به دیگران چشم نمی دوزند، و بدان جهت که همسرانشان زیبا و کامل می باشند، به گونه ای که آنان در جنت هیچ کسی را جز همسرانشان نمی خواهند و فقط به آنان علاقه دارند. و یا این که منظور این است که شوهرش به او چشم دوخته، و این بیانگر آن است که زن جنتی زیبا و کامل است و زیبایی اش باعث شده تا شوهرش نگاهش فقط به او باشد و منحصر بودن نگاه نیز بر این دلالت دارد که محبت آنها منحصر به یکدیگر است. و هر دو معنی محتمل درست می باشند.

و همه اینها بر زیبایی مردان و زنان جنت دلالت می کند و بیانگر آن است که آنها یکدیگر را دوست دارند و هیچ کس آرزو نمی کند که به جای همسرش کسی دیگر را داشته باشد و نیز به شدت پاکدامنی همه آنها دلالت می نماید و نیز نشانگر آن است که آنها در آن جا به همدیگر حسد و کینه نمی ورزند، چون سببی برای حسد و کینه وجود ندارد.

و در تفسیر آیت ۵۶ الرحمن می نویسد: « فَبَيْنَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ » یعنی در آن کاخ ها حوریانی هست که چشم فرو هشته اند. یعنی چشمانشان فقط به شوهرانشان معطوف، از آن جا که شوهرانشان بسیار زیبا و خوب هستند و کاملاً آن ها را دوست دارند، شوهرانشان نیز فقط به آن ها چشم دوخته اند چون آن ها بسیار زیبا می باشند و آن ها را به شدت دوست دارند و وصالشان لذت بخش است.

«بَطْمُئِنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» یعنی هیچ احدی از جن وانس قبل از آنان به آنها دسترسی پیدا نکرده است و به سبب این که به طریقه نیکو شوهرداری می کنند و دارای ناز و دلبری و ملاحظت هستند به نزد شوهرانشان محبوب هستند، به همین جهت فرمود: «كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» انگار آنان یاقوت و مرجان هستند، و این به خاطر صفای آنان و زیبایی منظر و رخساره آنان است.

و الله تعالی در آیت ۷۲ الرحمن می فرماید: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» زنانی زیبا که در خیمه ها نگاه داشته شده اند. بنابراین این چون حوریان جنتی را کسی جز شوهرانشان نمی ببیند، در اینصورت حجاب برای آنها نزد شوهرانشان وجود ندارد.

در کل چون نصی صریح در مورد وجود ندارد نمی توان گفت که وضعیت آنها چگونه است. ولی آنچه که مسلم است آنان نزد شوهران خود نیازی به حجاب ندارند و نصی وارد نیست که آیا مردها به زنان دیگر جنتی نگاه می کنند یا خیر!

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست عمده مطالب:

معلومات مؤجز

محتوای سوره

اسباب نزول آیه ۱۷ سوره غاشیه

وجه تسمیه

ترجمه مؤجز

تفسیر مختصر

آیا زبان مروج در جنت زبان عربی است؟

آیا بی برکتی روز از علایم قیامت است؟

نزدیکی معنوی

نزدیکی حسی

موجودیت پرندگان در جنت

خمر یا شرابی جنتی

شهوت و جماع در جنت

آیا زنان هم دارای حور جنتی اند؟

غلمان جنتی

تبدیلی زنان دنیوی به حوریان جنتی

حجاب حوریان درجنت

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسن بن محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از

عبد الکریم ارشد فاریابی

- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری